

رایحه تعالی؛ مردم فرومایه در نگاه امام رضا (ع)

یک حدیث نورانی از وجود مبارک امام رضا (ع) آمده و آن این است که از حضرت سؤال کردند: مردم فرومایه چه گروهی‌اند؟



یک حدیث نورانی از وجود مبارک امام رضا (ع) آمده و آن این است که از حضرت سؤال کردند: مردم فرومایه چه گروهی‌اند؟ اینها که حقیقت شرعیّه ندارد که از امام سؤال بکنند. اینها یک سلسله مسائل معرفتی است که آن راز و رمز را می‌خواهند از امام یاد بگیرند. وقتی از وجود مبارک امام هشتم سؤال می‌کنند که سیفله، مردم فرومایه چه گروهی‌اند، فرمود: مَنْ كَانَ لَهُ شَيْءٌ يُلْهِيهِ عَنِ اللَّهِ أَوْ أَنْ أَمْرًا (1)؛ فرومایه کسی است که یک چیزی داشته باشد، او را سرگرم بکند از یاد خدا! هر چه هست؛ گاهی درس و بحث، آدم را سرگرم می‌کند.

نشانهٔ اعراض از یاد خدا این است که در مباحثات با اینکه فهمید حق با طرف است، کوتاه نمی‌آید! حُب با اینکه در حجره بیش از 2 نفر کسی نیست، مردمی هم حضور ندارند، او این‌قدر حاضر نیست که اعتراف بکند و کوتاه بیاید. حُب این معلوم می‌شود که یک شاغل فکری دارد دیگر! فرمود: سیفله کسی است که مَنْ كَانَ لَهُ شَيْءٌ يُلْهِيهِ عَنِ اللَّهِ أَوْ أَمْرًا. بعد هم در خلال سخنان نورانی‌اش فرمود: انسان بیش از یک دوست ندارد. انسان نه می‌تواند بی‌دوست باشد، و نه بیگانه دوست آدم بشود! بیگانه، بیگانه است. باید در حریم دل یک دوستی پیدا کرد. وجود مبارک امام هشتم فرمود به اینکه انسان یک دوست دارد و آن هم آشناست و آن هم در حریم اوست؛ و آن «عقل» است.

و آن «عقل» است. اگر کسی عاقل بود، دوست خوبی دارد و این دوست خوب او را نجات می‌دهد. در این فهرست ابن‌تدیم که صَدِيقٌ كُلُّ أَمْرٍ عَقْلُهُ (2). اگر کسی عاقل بود، دوست خوبی دارد و این دوست خوب او را نجات می‌دهد. در این فهرست ابن‌تدیم که از مؤلفین و مؤلفات و بزرگان این رشته‌ها سخنان فراوانی نقل می‌کنند، گفتند که فلان شخص که مشکلی برای خودش و دیگری تولید می‌کرد، برای اینکه علمش بیش از عقلش بود. حُب ممکن است یک کسی درس بخواند در حوزه یا دانشگاه؛ نه تنها برای خودش حلال مشکل نباشد، مشکلی برای دیگران ایجاد بکند. می‌گفتند: چون فلان کس «عقله» اکثراً من عقله، این مشکل پیدا شد. عقلی یعنی همان نوری که به عِيَدِ الرَّحْمَنِ وَالْكَتِيبِ الْجَنَانِ (3)، آن اصل است. او دوست ماست، ما غیر از او دوستی نداریم. این تقدیم خبر بر مبتدا هم مفید حصر است در اینجا. فرمود: عقل هر کسی دوست اوست که مبتدا را مقدم بیاورد. فرمود: صَدِيقٌ كُلُّ أَمْرٍ عَقْلُهُ. دوست هر کسی، عقل اوست. صَدِيقٌ كَمَا مَبْتَدَا نَمِي تَوَانِدُ بَاشِدُ كَه! عقل است که متّصف به صداقت است. فرمود: انسان یک دوست دارد، تنها دوستش هم درون اوست و آن هم عقل اوست. اگر خدای ناکرده عاقل نبود، تنهاست؛ وَ عَدُوٌّ كُلُّ أَمْرٍ جَهْلُهُ. آن هم باز بازگو کرده.

پی‌نوشت:

- (1) بحارالانوار/ جلد 75/ صفحه 335/ باب 26- مواظب‌الرضا (ع)
- (2) کافی/ جلد 1/ صفحه 11/ کتاب العقل والجهل
- (3) وسائل‌الشیعه/ جلد 15/ صفحه 205/ با تلخیص

آیت‌الله عبدالله جوادی آملی